

که از میان دندانهای وی بیرون آمدی در شب چهارده در ماه  
 نظر میکردند در وی او شش ماه در قباله روی جهان افروز را  
 ناقص می نمود عایشه رضی الله عنها در خبره چتر می که کرده بود  
 و نمی یافت رسول صلی الله علیه و سلم در آن بیور حصیه مبارک را بفرجه  
 روشن شد عایشه رضی الله عنها کم شده خود را باز یافت  
 نطق جسم و طیب را می و مرق و نر است بدن  
 وی از قان و رات آتش گوید رضی الله عنه که سرگزینویدم  
 عیسوی و بیج مشکلی و سحر لوی خوشتر از بوی رسول صلی الله  
 علیه و سلم و آورده اند که هیچکس با وی مصافحه نکردی مگر که تلم  
 آن روز بوی خوشش آرزو شنیدی و دست بر سرش بود که  
 نهادی مگر که آن کودک از همه کودکان بوی خوشش ممتاز گشتی  
 روزی در خانه آتش رضی الله عنه در خواب شده بود و عرق  
 کرده مادر آتش رضی الله عنها شیشه آورده بود و آن عرق که  
 جسم میکرد رسول صلی الله علیه و سلم از وی بر سجد که این چه  
 بگفتی گفت این را با بوی خوش خود می آمیزم زیرا که این بوی

بوی بوی آتش

زین همه بویهای خوشش است و بخاری رحمة الله در تاریخ کبیر خود  
 آورده است که چون رسول صلی الله علیه و سلم بر الی بیکه شستی سر که  
 از بی وی در آمدی بد استی که وی از آن را که شسته است و سبوح  
 بن راهویه گفته است که آن رایحه خاصه وی بود نه آنکی طبعی بکار برده  
 بود صلی الله علیه و سلم که مندیلی که بروی مبارک  
 وی رسیده بود آتش بر آن نمیکرد و جماعتی همان آتش بر آنک  
 رضی الله عنه مشردند برای ایشان طعام آورد چون فایز مشردند که  
 خود را آورد که نشان مندیل را بسیار آن کثیرتر که مندیل هر کسین  
 آورد آتش در اکت فزتنور آتش بر افروز آتش بر افروزت  
 پس پس مودتا آن مندیل را در میان آتش انداختند بعد از آن چون  
 آورد چون شیره سفید شده و بیج نسوخته بر سیدند از وی که این  
 چیست فرمود که این مندیلی است که رسول صلی الله علیه و سلم میان  
 روی مبارک خود پاک میکرد هر گاه که هر کسین میشود در آتش انداخت  
 پاک میکرد و می سوزد که ابو سمره رضی الله عنه گفته است  
 که هر دی شش رسول صلی الله علیه و سلم آمد که دختر خود را بستو میدهم هر گاه

Copyright © King Fahd University